

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

پرسش و پاسخ های

دعاوی طاری

مهدى زينالي

وكيل پايه يك دادگستری



زینالی، مهدی،	سروشانه
بررسی و پاسخ های دعاوی طاری	عنوان و نام پدیدآور
تهران : چراغ دانش ، ۱۳۹۵	مشخصات نشر
.۱۵۷	مشخصات ظاهری
۹۷۸-۶۰۰-۸۱۳۸-۸۰-۸	شابک
فیبا	وضعیت فهرست نویسی
حقوق مدنی — ایران — دعاوی	موضوع
Civil rights -- Iran -- Cases	موضوع
رویه قضایی — ایران	موضوع
Jurisprudence -- Iran	موضوع
۱۳۹۵۶۷۵KMH	رده بندی کنگره
۵۵۰۴/۳۴۸	رده بندی دیوبی
۴۲۹۹۶۸۱	شماره کتابشناسی ملی:

شناسنامه

عنوان کتاب: پرسش و پاسخ های دعاوی طاری

مؤلف: مهدی زینالی

ناشر: انتشارات چراغ دانش

ناظر چاپ: رسول زینالی

نوبت چاپ: اول/ویرایش دوم/۱۳۹۷

قطع و تیراژ: وزیری / ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۶۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۳۸-۸۰-۸

کد کتاب: ۳۲۰

چراغ دانش را در گوگل جستجو کنید.

www.cheraghdanesh.com

فترمکزی: تهران، میدان هفت سینا، ورودی مدرس، کوچه مازندرانی، پلاک ۴، طبقه های ۳ و ۶ واحد های ۷ و ۱۴

تلفن پخش و فروش: ۰۲۱-۸۸۱۴۶۰۱

حق چاپ برای انتشارات چراغ دانش محفوظ است. هرگونه تکثیر (اعم از چاپ، کپی، فایل الکترونیکی و...) از این اثر بدون اخذ مجوز کتبی از ناشر خلاف قانون بوده و پیگرد قانونی دارد.



بنیاد بین‌المللی حقوقی سنا

«بنیاد بین‌المللی حقوقی سنا» با تیمی متخصص از مؤلفین، مدرسین، وکلا و کارشناسان مجرب با کارگروه‌های تخصصی در حوزه‌های: املاک و اراضی، سرقفلی، بیمه‌ای، گمرکی، ثبتی، وصول مطالبات، تنظیم قراردادها، ارث و امور حسبي، امور خانواده و مسائل كيفری آمده ارائه مشاوره و پاسخگویی به پرسش‌های حقوقی هم‌ميهنان محترم می‌باشد.

گروه وکلای سنا: ۰۲۱ ۸۸۱۴۰۶۰۲-۸۸۸۶۵۱۲۰

ارتباط مستقیم با دفتر واحد دعاوى: ۸۸۱۴۰۸۰۸



انتشارات چراغ دانش

«بنیاد بین‌المللی حقوقی سنا» مفتخر است اعلام دارد به عنوان مجموعه فنی و متخصص در حوزه حقوقی کشور در جهت توسعه و تعمیق دانش و نظام حقوقی کشور با شروع به کار معاونت تحقیقات و پژوهش‌ها از طریق الحاق «انتشارات چراغ دانش» و تغییر مدیریت این انتشارات توانسته است در مهلت بسیار کوتاه آثار حقوقی ارزشمندی با ویژگی «کاربردی و آموزشی» به جامعه حقوق تقدیم نماید امید است با لطف و عنایات حضرت حق و همراهی و همکاری مستمر و مدام اساتید، قضات، وکلا کارشناسان و دانشپژوهان در حوزه تألیف و انتشار کتب حقوقی، زمینه تعالی و تحقق عهد و راهبرد «بنیاد بین‌المللی حقوقی سنا» فراهم گردد.

تهران، میدان هفت تیر، ورودی مدرس، کوچه مازندرانی، پ ۴، ط ۶، واحد ۱۴

تلفن تماس: ۰۲۱ ۸۸۱۴۰۶۰۱-۲

www.cheraghdanesh.com

چراغ دانش، چراغ راه اندیشه‌هاست.

فهرست کلی

۹.....	مقدمه
۱۱.....	پرسش و پاسخ های دعوای تقابل
۱۳.....	مبحث اول: نشستهای قضائی در قالب پرسش و پاسخ
۳۴.....	مبحث دوم: نظریه های مشورتی در قالب پرسش و پاسخ
۳۸	پرسش و پاسخ های دعوای جلب ثالث
۴۰.....	مبحث اول : نشستهای قضائی در قالب پرسش و پاسخ
۵۴.....	مبحث دوم; نظریه های مشورتی در قالب پرسش و پاسخ
۶۴.....	پرسش و پاسخ های دعوای اعتراض ثالث
۶۶.....	مبحث اول: نشست های قضایی در قالب پرسش و پاسخ
۱۰۷.....	مبحث دوم: نظریه های مشورتی در قالب پرسش و پاسخ
۱۲۶	دعاوی طاری در قوانین و مقررات
۱۲۸.....	مبحث اول:دعوای اعتراض ثالث در قوانین و مقررات
۱۳۳.....	مبحث دوم: دعوای تقابل در قوانین و مقررات
۱۳۸.....	مبحث سوم: دعوای جلب ثالث در قوانین و مقررات
۱۴۰	قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری
۱۴۳.....	از قانون اجرای احکام مدنی
۱۴۴.....	قانون تجارت
۱۴۵	منابع و مأخذ

فهرست جزئی

۹.....	مقدمه
۱۱.....	پرسش و پاسخ های دعوای تقابل
۱۳.....	مبحث اول: نشستهای قضائی در قالب پرسش و پاسخ
۱۳.....	۱. زمان و نحوه تقدیم دادخواست متقابل از سوی واحواه
۱۴.....	۲. وضعیت حکم صادره در مورد دعوای اصلی و طاری از لحظه قابل تجدیدنظر بودن
۱۵.....	۳. درخواست اعسارت به عنوان دعوای تقابل
۱۷.....	۴. دادخواست اعسارت از پرداخت دین در قالب دعوای تقابل
۱۸.....	۵. پذیرش اعسارت نسبت به تقسیط دین در ضمن دعوای اصلی
۲۰.....	۶. دادخواست متقابل اعسارت یا تقسیط در دعوای مالی
۲۱.....	۷. مرجع صالح رسیدگی به دعوای متقابل
۲۲.....	۸. نیاز به ابطال تمبر هزینه دادرسی در دعوای متقابل
۲۲.....	۹. ارائه دادخواست تقابل از سوی خوانده در مرحله تجدیدنظر
۲۴.....	۱۰. تأثیر استرداد دعوای اصلی در دعوای تقابل
۲۶.....	۱۱. احتساب دعوای تقابل تهاصر از سوی خوانده و اختلاف طرفین در منشأ آن
۲۹.....	۱۲. طرح دعوای تقابل همزمان با دادخواست اعتراض در مرحله تجدیدنظر
۳۱.....	۱۳. تقدیم دادخواست دعوای تقابل خارج از موعد قانونی
۳۲.....	۱۴. دعوای تقابل مبنی بر ابطال عقد در مقابل مطالبه اجرتالمثل
۳۲.....	۱۵. ارائه دادخواست تقابل در جلسه اول رسیدگی به واحواهی از دادنامه غیابی
۳۴.....	مبحث دوم: نظریه های مشورتی در قالب پرسش و پاسخ
۳۴.....	۱. عدم ارائه دادخواست دعوای متقابل تا پایان جلسه اول دادرسی
۳۵.....	۲. قابل تجدیدنظر بودن دعوای اصلی به تبع دعوای طاری
۳۶.....	۳. ارائه دادخواست دعوای متقابل تا پایان جلسه اول دادرسی
۳۷.....	۴. تقاضای ابطال سند جدید با تقدیم دادخواست تقابل
۳۸.....	پرسش و پاسخ های دعوای جلب ثالث
۴۰.....	مبحث اول: نشستهای قضائی در قالب پرسش و پاسخ
۴۰.....	۱. امکان جلب ثالث برای وارد ثالث بعد از جلسه اول رسیدگی به دعوا
۴۲.....	۲. ارتباط دعوای اصلی با دعوای جلب ثالث در مرحله تجدیدنظر
۴۳.....	۳. اقدام خوانده به جلب ثالث در مهلت مقرر پس از صدور رأی

۴. طرح دعوا علیه صادرکننده چک به عنوان جلب ثالث.....	۴۴
۵. درخواست توقيف اموال مغلوب ثالث	۴۷
۶. تغییر خوانده پس از تقدیم دادخواست.....	۴۸
۷. خوانده دعوای جلب ثالث.....	۴۹
۸. عدم امکان ارائه دادخواست تقابل برخلاف دادخواست جلب و ورود ثالث در مرحله تجدیدنظر	۵۰
۹. تقدیم دادخواست جلب شخص ثالث ظرف سه روز پس از اعتراض	۵۱
مبحث دوم: دعوای جلب ثالث در نظریه‌های مشورتی	۵۴
۱. تبادل لواح در جلب ثالث	۵۴
۲. درخواست تأمین خواسته در دعوای جلب ثالث.....	۵۴
۳. هزینه دادرسی دعوای جلب ثالث.....	۵۵
۴. قابل تجدیدنظر بودن دعوای طاری.....	۵۶
۵. مقدار هزینه دادرسی دعوای جلب ثالث.....	۵۶
۶. لزوم اطلاع طرفین اصلی پرونده از جلب ثالث.....	۵۷
۷. با توجه به این که شرایط دادخواست جلب ثالث، مانند دادخواست اصلی است، علی‌الاصول هزینه دادرسی هم باید بر همان مبنای پرداخت شود.....	۵۷
۸. عدم امکان طرح هر نوع خواسته در جلب ثالث.....	۵۸
۹. تقدیم دادخواست جداگانه برای طرح دعوای جلب ثالث در مرحله تجدیدنظر خواهی	۵۹
۱۰. عدم امکان رسیدگی تأمیں با دعوای اصلی به جلب ثالث خارج از مهلت قانونی.....	۵۹
۱۱. اقامه دعوای اعسار همراه جلب ثالث در مرحله تجدیدنظر.....	۶۰
۱۲. عدم امکان جلب خوانده دعوا به دادرسی در مرحله تجدیدنظر	۶۱
۱۳. عدم امکان فراخواندن خوانده به دادرسی با جلب ثالث	۶۲
دعوای اعتراض ثالث در رویه دادگاهها.....	۶۴
دعوای اعتراض ثالث در نشستهای قضائی.....	۶۶
۱. اعتراض ثالث به عملیات اجرایی	۶۶
۲. تصمیم دادگاه در اعتراض شخص ثالث به عملیات اجرایی موضوع مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی تصمیم قضائی است.....	۶۷
۳. تصمیم دادگاه در اعتراض موضوع ماده ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی تصمیم قضائی است.....	۶۸
۴. ماهیت تصمیم دادگاه در مورد اعتراض ثالث تصمیم قضائی است.....	۷۰
۵. موارد اعتراض ثالث به رأی دادگاه	۷۲
۶. اعتراض ثالث طاری در مرحله واخواهی	۷۳
۷. اعتراض ثالث به تصمیمات اجرایی	۷۵
۸. عدم قابلیت استماع اعتراض ثالث در اجرای احکام کیفری	۷۶
۹. دادگاه صالح رسیدگی کننده به اعتراض شخص ثالث در خصوص قرار تأمین خواسته کیفری	۷۸

۱۰. احکام مشمول اعتراض ثالث.....	۸۰
۱۱. احتساب موعد و مهلت اعتراض ثالث.....	۸۲
۱۲. چنانچه محکوم به در تصرف شخصی غیر از محکوم علیه باشد باید از طریق اعتراض ثالث وارد شد.....	۸۳
۱۳. شیوه رسیدگی به اعتراض شخص ثالث	۸۴
۱۴. تفاوت اعتراض اصلی و طاری	۸۵
۱۵. شرایط تأخیر اجرای حکم در رسیدگی به اعتراض ثالث.....	۸۶
۱۶. بررسی اعتراض طاری در مرحله تجدیدنظر.....	۸۷
۱۷. مرجع رسیدگی به اعتراض ثالث در صورت مستند بودن ادعا به حکم قطعی یا سند رسمی.....	۸۹
۱۸. ذی نفع بودن قائم مقام حقوق و تعهدات در ملک موضوع دعوا.....	۹۰
۱۹. دادخواست ابطال عملیات اجرایی لزوماً اعتراض ثالث نیست.....	۹۲
۲۰. اعتراض ثالث به دادخواست ورود ثالث.....	۹۴
۲۱. اعتراض ثالث نسبت به مال توقيف شده	۹۵
۲۲. نحوه توقيف عملیات اجرایی با اعتراض ثالث	۹۶
۲۳. اعتراض شخص ثالث و ابطال مزایده و عملیات اجرایی	۹۸
۲۴. ادعای ثالث نسبت به مال توقيف شده	۹۹
۲۵. اعتراض شخص ثالث به توقيف اموال می‌بایست با تقدیم دادخواست باشد	۹۹
۲۶. اعتراض ثالث اجرایی نسبت به عملیات اجرایی راجع به آرای شورای حل اختلاف	۱۰۱
۲۷. اعتراض ثالث نسبت به عملیات اجرایی در زمان اجرای نیابت دادگاه مجری نیابت قضائی خواهد بود.....	۱۰۳
۲۸. اعتراض ثالث در مورد مالی که در اجرای قرار تأمین خواسته بازپرس توقيف شده و ماهیت حقوقی دارد و در امور مدنی اصل بر صلاحیت محاکم حقوقی است.....	۱۰۴
۲۹. تأمینی که بابت تأخیر اجرای حکم از ناحیه معتبر ثالث سپرده می‌شود.....	۱۰۵
مبحث دوم: نظریه‌های مشورتی در قالب پرسش و پاسخ	۱۰۷
مبحث سوم: قوانین مربوط به دعواهی اعتراض ثالث.....	۱۲۸
از قانون آئین دادرسی مدنی.....	۱۲۹
از قانون اجرای احکام مدنی	۱۳۱
منابع و مأخذ	۱۴۵

مقدمه

معمولًا رویه عملی دادگاهها در استنباط از قوانین و مقررات در جهت انطباق با مصاديق واقعی تا حدودی با آنچه در کلاس‌های تئوریک دانشگاهها به دانشجویان حقوق آموزش داده می‌شود متفاوت است البته روند آموزشی و طریق ارائه مطالب در کلاس‌های درسی هم به شکلی است که برای طی مراحل تحصیلی صرف مطالعه و پاسخ به سؤالات بهصورت تئوری و بدون تطبیق با مصاديق عملی کفایت می‌کند. به این ترتیب معمولًا چون امکان انجام کار عملی حین تحصیل در دانشگاه برای دانشجویان این رشتہ وجود ندارد فارغ‌التحصیلان وقتی مشغول به کار می‌شوند با کمبود آگاهی و اطلاعات از رویه قضائی و شیوه استدلال و استنباط عملی دادگاهها مواجه هستند؛ لیکن اهمیت آگاهی از رویه قضائی با اشتغال به کار و فعالیت بر هیچ فارغ‌التحصیل حقوقی پوشیده نیست. بی‌تردید تنها منبع آموزش عملی وکالت، قضاوی و بهطورکلی رشتہ حقوق، قبل از حضور عملی در دادگاهها و جلسات رسیدگی، رویه‌های قضائی می‌باشد؛ به عبارت دیگر، مطالعه تصمیمات، پرسش و پاسخها و اختلافنظرهای کسانی که هر روز بهصورت عملی در حال انطباق قوانین با مصاديق واقعی هستند می‌تواند اطلاعات کاربردی و عملی را در اختیار خوانندگان قرار دهد.

اگرچه فارغ‌التحصیلان حقوق بیش از سایرین به مطالعه رویه قضائی نیازمند هستند؛ اما هیچ قشری از جامعه بزرگ رشتہ حقوق قضائی بی‌نیاز از مطالعه و تحقیق و تفحص در این حوزه علمی نمی‌باشد؛ زیرا رویه قضائی در واقع محرك رشتہ حقوق است که دائم در حال تغییر و تحول می‌باشد و غفلت از این حوزه موجب عقب‌ماندگی از علم واقعی حقوق و جامعه حقوق‌دانان خواهد شد. از این رو ناشران تخصصی این حوزه، هرکدام به طریقی نسبت به جمع‌آوری و انسجام‌بخشی به مطالب و موضوعات راجع به رویه قضائی اقدام می‌کنند که انتشارات چراغ دانش نیز در همین راستا و برای انجام بخشی از وظایف فرهنگی خود در نظر دارد نسبت به تدوین و جمع‌بندی مطالب رویه قضائی بهصورت منظم و منحصر به فرد با ویژگی‌های مخصوص برای هر دعوا طی یک کتاب جداگانه بهصورت کاربردی و با دسترسی آسان به مطالب هر دعوا اقدام نماید لذا در راستای تأمین این هدف، مجموعه‌ای از کتاب‌ها تحت عنوان کلی «دعوای...»

در رویه دادگاهها» که شامل موارد زیر است تدوین و تألیف خواهد شد:

۱. آراء وحدت رویه؛^۱

۱. در مورد موضوع این مجموعه رأى وحدت رویه‌ای وجود ندارد.

۲. آرای اصراری؛

۳. آراء شعب دیوان عالی کشور؛

۴. آراء دادگاههای بدوی و تجدیدنظر؛

۵. نشستهای قضائی؛

۶. نظریههای مشورتی؛

۷. قوانین و مقررات مرتبط با موضوع؛

۸. نمونه دادخواست و معرفی دعوا.

در این مجموعه سعی شده است رویه قضائی کشور در خصوص هر دعوا به صورت منسجم و منظم گردآوری شود تا وکلا، حقوقدانان و قضات محترم در مراجعته به رویه قضائی در کمترین زمان به بهترین وجه مطالب مطلوب خود را یافته و استفاده نمایند. با توجه به تعدد بسیار آراء دادگاهها (دادگاه بدوی و تجدیدنظر) در برخی موارد حداکثر سعی بر آن بوده از موارد متفاوت آراء صادره در موضوع نمونه در قسمت رأی آورده شود و همچنین در سایر موارد؛ مثل آراء وحدت رویه، آراء دیوان عالی کشور، موارد مرتبط به موضوع ذکر شده است تا با توجه به اهمیت این آراء مورد استفاده خوانندگان و مراجعه‌کنندگان عزیز قرار گیرد.

مختصر ویژگی‌های کتاب:

۱. تدوین و گردآوری منظم و منسجم تمام مطالب مربوط به دعوا؛

۲. تقسیم‌بندی موضوعی برای هر کدام از مطالب؛

۳. ارائه معرفی دعوا و نمونه دادخواست در اول مجموعه؛

۴. ذکر عنوان برای هر مطلب به صورت خلاصه در فهرست؛

۵. دسترسی سهل و آسان به مطلب دلخواه در کمترین زمان.

«گروه پژوهشی» انتشارات مفترخ خواهد شد از تجربیات، آراء و سایر مطالب حقوقی موجود نزد اساتید، وکلا، حقوقدانان و سایر همکاران در راستای مفیدتر شدن مجموعه در چاپ‌های بعدی استفاده نماید. لذا موجب خرسندی خواهد بود که خوانندگان عزیز از هر صنف ضمن ارسال انتقادات و پیشنهادات خود در مورد هر کدام از موضوعات به صورت (کتبی یا از طریق ایمیل یا تلفنی) ما را در پریار کردن مجموعه حاضر یاری فرمایند.

مدیر مسئول انتشارات

یک هزار و سیصد و نود و پنج

کتاب اول

پرسش و پاسخ های دعوای تقابل

مبحث اول: نشست‌های قضائی در قلب پرسش و پاسخ

۱. زمان و نحوه تقدیم دادخواست متقابل از سوی واخواه

پرسش: آیا واخواه می‌تواند ضمن اقامه واخواهی، دعواهای متقابل مطرح کند؟^۱

نظر اکثرب

در رسیدگی به دعواهای منتهی به صدور حکم غیابی، فرض بر این است که خوانده مطلع از جریان دادرسی نبوده است؛ بنابراین، دادخواست واخواهی به منزله اولین جلسه خواهد بود و رسیدگی به دعواهای متقابل در مرحله واخواهی فاقد اشکال تشخیص داده می‌شود.

نظر اقلیت

جلسه اول دادرسی جلسه‌ای است که موجبات دادرسی از هر نظر فراهم بوده؛ بنابراین، در رسیدگی ابتدایی که منتهی به صدور حکم غیابی شد، جلسه اول دادرسی تمام شده و با توجه به عدم نص قانون امکان رسیدگی به دعوا تحت عنوان متقابل امکان ندارد؛ اما چنانچه دعواهای مطروحه ارتباط کامل به دعواه اصلی داشته باشد در اجرای ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی رسیدگی به دعواه مرتبط توأم‌ان صورت خواهد پذیرفت.

نظر کمیسیون نشست قضائی (۱) مدنی

با توجه به اینکه محکوم‌علیه رأی غیابی در دادرسی منتهی به صدور حکم غیابی مداخله نداشته و با ابلاغ دادنامه یا اجراییه از مفاد دادخواست و ادعاهان اصلی مطلع شده و در مهلت قانونی مبادرت به طرح دعواهای واخواهی کرده است، جلسه اول رسیدگی به دعواهای واخواهی، اولین جلسه رسیدگی حضوری محسوب می‌شود و واخواه می‌تواند در مهلت قانونی در مقابل ادعاهان اصلی، دادخواست متقابل به‌طور جداگانه از

۱. نشست قضائی دادگستری نیشابور، آبان ۱۳۸۳.



دادخواست و اخواهی تقدیم کند. در صورتی که دعواهی متقابل با دعواهی اصلی ناشی از یک منشأ بوده یا با آن ارتباط کامل داشته باشد، با دعواهی اصلی توأمًا مورد رسیدگی واقع خواهد شد.

۲. وضعیت حکم صادره در مورد دعواهی اصلی و طاری از لحاظ قابل تجدیدنظر

بودن

پرسش: چنانچه خواهان دعواهی اصلی، خواسته دعوا را که از جمله دعواهی مالی است کمتر از سه میلیون ریال تقویم کند و خوانده دعوا، دعواهی متقابل مطرح و خواسته را بیش از سه میلیون ریال مقوم سازد وضعیت حکم صادره در مورد دعواهی اصلی و طاری از حیث قابل تجدیدنظر بودن یا نبودن چگونه است؟^۱

اتفاق نظر

دعوهای طاری با دعواهی اصلی مرتبط است، با توجه به اینکه بر اساس قسمت اخیر ماده ۱۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی اتخاذ تصمیم در هر یک از دو دعوا مؤثر در دیگری است قابلیت تجدیدنظرخواهی دعواهی طاری به دعواهی اصلی تسری پیدا می‌کند و دعواهی اصلی به تبع دعواهی طاری قابل تجدیدنظرخواهی خواهد بود.

نظر کمیسیون نشست قضائی (۱) مدنی

مطابق ماده ۱۴۱ قانون آیین دادرسی دادگاهها... در امور مدنی، چنانچه دعواهی تقابل با دعواهی اصلی ناشی از یک منشأ بوده و ارتباط کامل داشته باشند، توأمًا رسیدگی می‌شوند و چون اتخاذ تصمیم در هریک مؤثر در دیگری است در فرض سؤال به تبع قابلیت تجدیدنظرخواهی دعواهی تقابل، رأی دادگاه نسبت به دعواهی اصلی و طاری که

۱. نشست قضائی دادگستری کرمان، فروردین ۱۳۸۴.



در یک حکم صادر می‌شود قابل تجدیدنظر خواهد بود؛ بنابراین، اتفاق نظر قضات دادگستری کرمان تأیید می‌شود.

۳. درخواست اعسار به عنوان دعوای تقابل

- پرسش: ۱. آیا اعسار از محکوم به و هزینه دادرسی، مالی است یا غیرمالی؟
 ۲. آیا محکوم علیه قبل از زندانی شدن می‌تواند درخواست اعسار تقدیم نماید؟
 ۳. آیا با توجه به ماده ۲ و ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، تقدیم دادخواست اعسار به صورت تقابل یا در دعاوی خانوادگی جهت رسیدگی توأم با مطالبه مهر یا نفقه، وجاهت قانونی دارد؟
 ۴. آیا رسیدگی به تقاضای اعسار قبل انقضای مواعده (موضوع ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی)، وجاهت شرعی و قانونی دارد؟^۱

توضیح:

پرسش‌های مطروحه که بیشتر از حیث آیین دادرسی مدنی و قواعد شکلی اهمیت دارد و مبتلا به نیز می‌باشد، با در نظر گرفتن باب هشتم قانون آیین دادرسی مدنی، قانون اعسار مصوب ۱۳۱۳ و قانون نحوه محکومیت‌های مالی، مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت و موضوع نسخ یا عدم نسخ مجازات‌های تعیین شده در قانون اعسار نیز مطرح شد و در عین حال مقرر شد سوال‌ها از اداره حقوقی نیز استعلام شود که با توجه به نظریه شماره ۷۱۵۱۰-۷۳/۸/۱۴ آن مرجع، حاصل بحث و گفتگو به شرح زیر ارائه می‌شود.

نظر اکثریت

۱. دعوای اعسار از محکوم به و هزینه دادرسی مالی است.

^۱. نشست قضائی دادگستری استان اصفهان، آذر ۱۳۷۹.



بررسی و پاسخ‌های دعواهای تقابل

۲. محکوم‌علیه قبل از بازداشت می‌تواند دادخواست اعسار تقدیم کند.
۳. طرف دعوا به صورت متقابل نمی‌تواند دادخواست بدهد.
۴. تقاضای اعسار قبل از انقضای مواعده مرقوم قابل رسیدگی است.

نظر اقلیت

نظرها به ترتیب طرح سؤال‌ها عنوان می‌شود:

۱. دعواهای اعسار غیرمالی است.
۲. مدّعی اعسار از بازداشت نمی‌تواند دادخواست بدهد.
۳. اعتقاد به ممنوعیت قانونی، نظر اکثیریت می‌باشد. به این شرح اکثیریت نظرشان بر این است که پس از محکومیت و قبل از زندانی شدن، امکان تقدیم دادخواست است که تعدادی نیز زندانی بودن را با توجه به مواد ۲ و ۳ لازم می‌داند و اقلیت، مواد ۲ و ۳ را مانعی بر طرح دعوا نمی‌دانند.

نظر کمیسیون نشست قضائی (۴)

۱. این دعواهی از نوع دعواهی مالی است.
۲. هرگاه محکومیت مالی به صورت حکم قطعی باشد و درخواست اجرای آن شده باشد، تسلیم دادخواست اعسار، بلاشکال است.
۳. درخواست اعسار به عنوان دعواهای تقابل در محکومیت‌های مالی موضوعیت ندارد؛ زیرا دعواهای تقابل در قبال دعواهای اصلی است و در محکومیت‌های مالی، تسلیم دادخواست اعسار، متعاقب محکومیت قطعی پذیرفته است و جایگاهی در محل دعواهای تقابل که اقتران زمانی در رسیدگی با دعواهای اصلی دارد، نمی‌یابد و نمی‌توان با دعواهی مطالبه نفقه و مهر، همزمان با آن رسیدگی کرد.
۴. مواعده موضوع ماده ۳۰۲ قانون مجازات، تأدیه محکومیت دیبات را مؤجل می‌کند؛ بنابراین، مادام که مواعده سپری و پرداخت دیه حال نشود و قدرت اجرایی نیاید، پذیرش



دعوای اعسار ممکن نیست؛ زیرا مواعید معین، فرصتی است که شارع برای محکوم علیه، مطمئن نظر داشته‌اند.

۴. دادخواست اعسار از پرداخت دین در قالب دعوای تقابل

پرسش: آیا مدييون می‌تواند در دعوای اقامه شده از سوی دائن، علیه وی متقابلاً دادخواست اعسار از پرداخت دین را بدهد؟^۱

نظر اکثریت

اگر مدييون اقرار به مدييون بودن خود داشته باشد، مطابق قسمت اخیر ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و ماده ۲۷۷ قانون مدنی، حق دارد از دادگاه بخواهد که ضمن صدور حکم، قرار اقساط دین را بدهد. در ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی آمده است که محکوم علیه در صورتی که معسر نباشد، به درخواست محکوم‌له بازداشت می‌شود و مخالف آن است که در صورتی که معسر باشد، نمی‌توان او را بازداشت کرد. حال سؤال این است که دادگاه چگونه از اعسار یا عدم اعسار محکوم علیه مستحضر می‌شود، به جز از طریق اقامه دعوا از ناحیه محکوم علیه؟ به علاوه دلیل کسانی که معتقدند که بدواناً مدييون باید به پرداخت دین محکوم شود و بعد از آن دادخواست اعسار از پرداخت آن را بدهد مخدوش است؛ زیرا در موردی که مدييون خود اقرار به مدييونیت خود دارد، محکومیت وی به پرداخت محرز است و هیچ علتی برای موکول کردن رسیدگی به دعوای اعسار مدييون، به بعد از صدور حکم قطعی محکومیت وی، وجود ندارد و به علاوه در ماده ۲۷۷ قانون مدنی، به دادگاه اختیار داده شده است که نظر به وضعیت مدييون و مهلت عادله یا قرار اقساط بدهد.

۱. نشست قضائی دادگستری استان فارس، آبان ۱۳۷۹.



نظر اقلیت

مطابق مواد ۲ و ۳ قانون نحوه اجرای محاکومیت‌های مالی، در صورتی که مدیون به موجب حکم دادگاه محاکوم به پرداخت دین شود، می‌تواند دادخواست اعسار از پرداخت محاکوم به را بدهد؛ لذا تا قبل از اینکه مدیونیت وی ثابت شود نمی‌تواند دادخواست اعسار از پرداخت آن را بدهد و اگر دادخواست بدهد باید دعواهای وی رد شود.

نظر کمیسیون نشست قضائی (۴)

دعواهای تقابل وقتی موضوعیت دارد که بتواند خواسته اصلی را کلاً منتفی کرده یا دلایل تأديه دین را به اثبات برساند. اقامه دعواهای اعسار نمی‌تواند جایگاهی به عنوان دعواهای تقابل داشته باشد و صرفاً به عنوان گونه‌ای دفاع، برای جلب نظر دادگاه در تقسیط دین، کارایی دارد.

اصولاً دعواهای اعسار از پرداخت دین یا محاکوم به، در مرحله قطعیت و صدور دادنامه و مطالبه محاکوم له و درخواست اجرای وی، موقعیت اقامه دارد.

۵. پذیرش اعسار نسبت به تقسیط دین در ضمن دعواهای اصلی

پرسش: آیا دادخواست تقسیط دین قبل از این که متقاضی این دادخواست در پرونده اصلی مربوط به دین محاکوم شده باشد قابل رسیدگی است؟
اگر در ضمن دعواهای اصلی طرح شود به عنوان دعواهای متقابل قابل استماع است؟^۱

نظر اکثریت

نظر به اینکه در ماده ۲۷۷ قانون مدنی و ۱۰۸۳ همان قانون در خصوص تقسیط مهر همچنین قانون اعسار مصوب ۱۳۱۳ (ماده یک) به دین به طور کلی اشاره شده و در هیچ یک از قوانین و مقررات موجود طرح دعواهای اعسار منوط به صدور حکم محاکومیت

۱. نشست قضائی دادگستری خرم‌آباد، اردیبهشت ۱۳۸۳.

محکومعلیه نشده است و از طرفی رأی وحدت رویه اخیر دیوان عالی کشور (۶۶۳-۸۲/۱۰/۲) طرح دادخواست اعسار قبل از ورود محکومعلیه به زندان را بلامانع دانسته است و رعایت این اصل کلی که دادگاهها مکلف به رسیدگی و صدور حکم مطابق قانون هستند مگر اینکه ممنوعیت قانونی وجود داشته باشد که در مانحن فیه به نظر نمی‌رسد؛ لذا پذیرش دعوای اعسار در ضمن رسیدگی به دعوای اصلی و به عنوان **دعوای متقابل** بلاشکال است؛ زیرا با طرح این دعوا، خوانده دعوای اصلی تلویحاً یا تصريحاً تحقق دین را قبول کرده است.

نظر اقلیت

نظر به اینکه در اکثر مقررات از جمله قانون نحوه اجرای محکومیت مالی و مواد ۲۰ به بعد قانون اعسار، به محکومعلیه معسر اشاره شده است و از طرفی تا رأی بر محکومیت محکومعلیه صادر نشود اسباب تحقق دین موجود نگردیده، چنانچه مدييون خواستار اعسار از دینی شود که اسباب آن فراهم نشده قابلیت استماع را نداشته از طرفی ادعای اعسار در ضمن رسیدگی به پرونده اصلی نوعی دفاع است که نیاز به طرح دادخواست ندارد.

نظر کمیسیون نشست قضائی (۳) مدنی

در صورتی که خوانده اقرار به دین داشته باشد؛ اما اظهار کند قادر به پرداخت آن به صورت یکجا نیستم چون اقرار قاطع دعواست، این ثابت است و تقاضای اعسار قابل پذیرش است البته نه به عنوان **دعوای متقابل** بلکه به صورت تقاضای اعسار، زیرا دعوای متقابل در صورتی مصدق دارد که در دفاع از دعوای مطرح شده باشد و با آن‌ها مربوط باشد و در مانحن فیه چنین نیست.



۶. دادخواست متقابل اعسار و یا تقسیط در دعواهای مالی

پرسش: در دعواهای مالی از جمله مطالبه مهر آیا خوانده می‌تواند دادخواست متقابل اعسار یا تقسیط تقدیم کند؟^۱

نظر اکثریت

ادعای خوانده قابلیت رسیدگی ندارد. بر اساس قانون اعسار از پرداخت محکوم به احکام قطعی می‌توان اعسار یا تقسیط را درخواست کرد و تا زمانی که حکم واقعی صادر نشده است رسیدگی به ادعای اعسار یا تقسیط وجاہت قانونی ندارد و از یک منشأ نیستند و ارتباط کامل با هم ندارند بلکه دو دعواهای مستقل در طول هم هستند.

نظر اقلیت

به استناد ماده ۱۴۱ قانون آیین دادرسی در امور مدنی ادعای خوانده دعواهای متقابل محسوب می‌شود چون ارتباط کامل بین دو دعوا وجود دارد. خواهان اصلی ادعا دارد که بدھی باید یکجا پرداخت شود و خوانده اصلی ادعا دارد که قادر به پرداخت یکجا نیست. در این صورت دادگاه باید رسیدگی نماید و توأم قابل رسیدگی می‌باشد.

نظر کمیسیون نشست قضائی (۴) مدنی

اصولاً مطالبه مهر با تقسیط آن دو دعواهی جداگانه هستند. مادام که زوجه مهر خود را مطالبه نکند موردی برای درخواست تقسیط آن نیست. بعد از صدور حکم به محکومیت زوج به پرداخت تمام مهر در صورتی که زوج قادر به پرداخت محکوم به نباشد می‌تواند از محکمه تقاضای اعسار یا تقسیط مهر را بکند و دادرس دادگاه با رسیدگی‌های لازم و در صورت احراز صحت ادعای زوج یا عدم احراز درخواست می‌تواند حکم به رد اعسار یا قبول آن و یا حکم به تقسیط مهر بدهد.

۱. نشست قضائی دادگستری بهشهر، دی ۱۳۸۴.



۷. مرجع صالح رسیدگی به دعوای متقابل

پرسش: مقایسه ماده ۱۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ با
ماده ۲۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸.

توضیح:

یکی از همکاران محترم قضائی عقیده دارد ماده ۱۴۱ قانون فوق دارای ابهام است چراکه وفق قسمت ذیل ماده در صورتی که دعوا متقابل نباشد در دادگاه صالح دیگری به طور جداگانه رسیدگی خواهد شد. سؤال این است که اگر دادگاه رسیدگی کننده به دعوای اصلی، صلاحیت محلی به دعوای متقابل نداشته باشد آیا صالح به رسیدگی است یا خیر (ماده فوق مشخص نکرده است).^۱

نظر اکثریت

در این گونه موارد دادگاه رسیدگی کننده به دعوای اصلی صالح به رسیدگی به دعوای متقابل است و می‌تواند چنین دعواهایی را با دعوای اصلی توأمان رسیدگی کند. این موضوع را ماده ۲۸۴ قانون سابق در قسمت ذیل خود چنین بیان کرده: «مگر اینکه دعوای متقابل از صلاحیت ذاتی دادگاه خارج باشد.» با استفاده از این ماده دادگاه فقط در صورتی که صلاحیت ذاتی نداشته صالح به رسیدگی به دعوای متقابل نیست، در سایر موارد صالح به رسیدگی است.

نظر اقلیت

در چنین مواردی دادگاه صالح به رسیدگی نیست و باید قرار عدم صلاحیت صادر کند؛ زیرا با توجه به ماده ۵۲۹ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ که به صراحت قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ را ملغی اعلام کرده است به نظر می‌رسد در دعوای

^۱. نشست قضائی دادگستری استان آباد، اسفند ۱۳۷۹.

پرسش و پاسخ های دعواهای متقابل

متقابل که خارج از صلاحیت محلی دادگاه رسیدگی کننده به دعواهای اصلی باشد صالح به رسیدگی نیست و طبعاً در این مورد دادگاه محل اقامات خوانده صالح به رسیدگی است.

نظر کمیسیون نشست قضائی (۵)

هرچند موضوع مقایسه ماده ۱۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی با ماده ۲۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۱۸ به علت منسوخ بودن ماده ۲۸۴ موضوعاً منتفی است مع الوصف دادگاه رسیدگی کننده به دعواهای اصلی صالح به رسیدگی به دعواهای متقابل است و می‌تواند چنین ادعایی را با دعواهای اصلی توأمان رسیدگی کند. این موضوع را ماده ۲۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی سابق در قسمت ذیل ماده چنین بیان نموده: «مگر دعواهای متقابل از صلاحیت ذاتی دادگاه خارج باشد» که با استفاده از این ماده دادگاه فقط در صورتی که صلاحیت ذاتی نداشته باشد صالح به رسیدگی به دعواهای متقابل نیست و در سایر موارد صالح به رسیدگی است.

۸. نیاز به ابطال تمبر هزینه دادرسی در دعواهای متقابل

پرسش: خواهان در خصوص یک ساختمان تقاضای ابطال توافق نامه‌ای را نموده است و خوانده با ارائه سند مالکیت رسمی در اولین جلسه دادرسی مدعی مالکیت آن شده است. با توجه به اینکه خواسته اخیر در دادخواست اولیه نیامده بود آیا خواسته جدید نیاز به ابطال تمبر هزینه دادرسی دارد یا خیر؟^۱

نظر اکثریت

^۱. نشست قضائی دادگستری تکابن، تیر ۱۳۸۱.



با توجه به اینکه موضوع خواسته‌های گوناگون است هر خواسته نیاز به الصاق و ابطال تمبر دارد.

نظر اقلیت

چون دعاوی از یک منشأ می‌باشد نیاز به الصاق و ابطال تمبر نیست.

نظر کمیسیون نشست قضائی (۶)

صرف نظر از مجمل و مبهم بودن سؤال مطروح، در فرض سؤال که ظاهرًی کی از تنظیم‌کنندگان توافق‌نامه درخواست ابطال آن را کرده است چنانچه خوانده در مقام دفاع از خواسته خواهان، سند مالکیت ارائه نماید نیازی به طرح دعوا و تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه دادرسی نیست؛ لکن در صورتی که خواهان در اولین جلسه دادرسی خواسته خود را تغییر دهد به نحوی که موجب افزایش دادرسی شود الزاماً باید دادخواست جداگانه دیگری تقدیم نماید. هر آینه خوانده در مقابل دعوا مطروحه ادعایی داشته باشد که اقتضای رسیدگی توأم داشته باشد، نیز باید ادعا به موجب دادخواست اقامه شود و با توجه به نوع خواسته و میزان بهای خواسته تمبر هزینه دادرسی ابطال گردد.

۹. اوله دادخواست تقابل از سوی خوانده در مرحله تجدیدنظر

پرسش: چنانچه خوانده در جلسه اول (مرحله بدوى) دادخواست تقابل ندهد آیا در مرحله تجدیدنظر همراه با دادخواست اعتراض می‌تواند دادخواست تقابل بدهد؟^۱

اتفاق نظر

با توجه به اینکه مقنن به صراحة اعلام کرده تا پایان جلسه اول دادرسی می‌توان دادخواست تقابل داد علی‌هذا خارج از موعد مذکور دادخواست تقابل قابل پذیرش

^۱. نشست قضائی آین دادرسی مدنی ۱، دادگستری خلخال، دی ۱۳۸۱.

پرسش و پاسخ های دعوای تقابل

نیست؛ زیرا در دعوای ورود ثالث و جلب ثالث مقتنن به صراحت اعلام کرده که در مرحله تجدیدنظر دادخواست ورود ثالث و جلب ثالث می‌توان داد؛ ولی در خصوص دعوای تقابل اظهارنظری نکرده، در این گونه موارد نیز قانون باید به نص تفسیر شود هرچند مقتنن سکوت اختیار نموده باشد نظر اکثر حقوقدانان به اتفاق آرا چنین است که پذیرش دعوای تقابل در غیر از جلسه اول دادرسی خلاف موازین قانونی است. در مرحله واخوahی بین حقوقدانان اختلافنظر وجود دارد عده‌ای معتقدند که واخوahی ادامه دادرسی بدوي می‌باشد و تقابل برای دفاع خوانده ضرورت دارد و باید دادخواست تقابل را پذیرفت عده دیگر نیز معتقدند که دادخواست تقابل در مرحله واخوahی نیز قابل پذیرش نیست؛ زیرا واخوahی در خصوص تأیید یا فسخ حکم صادره است با عنایت به مراتب مذکور چنانچه جلسه دادرسی تشکیل شده باشد (به صورت قانونی) و خوانده حضور پیدا نکرده باشد به نظر می‌رسد دادخواست تقابل قبل پذیرش نیست مگر اینکه واخوah عذر موجه ارائه کند که دادگاه باید به دعوا در این خصوص بررسی کرده، سپس در خصوص قبول یا عدم قبول دادخواست متقابل اقدام نماید.

نظر کمیسیون نشست قضائی (۴)

موعد تسلیم دادخواست تقابل در اولین جلسه دادرسی محکمه بدوي است و با استنباط از ماده ۳۴۹ قانون آیین دادرسی مدنی، قبول چنین دعوایی که مستلزم رسیدگی دو نوبتی است ممکن نیست.

۱۰. تأثیر استرداد دعوای اصلی در دعوای تقابل

پرسش: شخص (الف) به طرفیت (ب) طرح دعوا کرده است و (ب) نیز دعوای تقابل به طرفیت (الف) مطرح می‌کند. در مراحل رسیدگی (الف)



دعوای خود را مسترد داشته است. دادگاه در خصوص دعوای تقابل چه

تصمیمی اتخاذ می کند؟^۱

اتفاقنظر

با توجه به اینکه **دعوای تقابل** دعوای جداگانه و مستقل است و رسیدگی به **دعوای تقابل** با دعوای اصلی در صورت صلاحیت دادگاه به صورت توأمان به لحاظ عدم صدور آرای متعارض و عدم اطالة دادرسی است و از طرفی ماده ۱۴۳ قانون آیین دادرسی مدنی شرایط دعوای اصلی را برای **دعوای تقابل** بیان داشته است؛ بنابراین، چون **دعوای تقابل** مسترد نشده است دادگاه در مورد **دعوای تقابل** به رسیدگی خود ادامه می دهد.

نظر کمیسیون نشست قضائی (۴) مدنی

خوانده می تواند در مقابل ادعای خواهان اقامه دعوا کند. این ادعا در صورتی که با دعوای اصلی ناشی از یک منشأ بوده و با آن ارتباط کامل داشته باشد **دعوای تقابل** نامیده شده و با دعوای اصلی یکجا رسیدگی می شود. حال اگر خواهان دعوای اصلی خود را مسترد کرد، این استرداد تأثیری در **دعوای تقابل** ندارد؛ زیرا **دعوای تقابل** دعوای مستقلی بوده و به هر صورت خوانده دعوای اصلی به موجب دادخواست تقديمي، حقوقی برای خود قائل است که باید به آنها رسیدگی شود و استرداد دعوای اصلی تأثیری در **دعوای تقابل** ندارد خصوصاً اينکه در **دعوای تقابل** خواهان هزينه دادرسی مربوط را پرداخته و جدای از دعوای اصلی به مقام استيفای حق خود برآمده و بر اثبات ادعا، دلایل هم اقامه کرده که باید به آن رسیدگی و در نهايیت دعوا منتهی به حکم شود.

^۱. نشست قضائی دادگستری قائم شهر، اسفند ۱۳۸۳.